

## جامعه شناسی انقلاب

در بحث راجع به انقلاب ، تعریف اجزای تشکیل دهنده انقلاب نخستین مسئله می باشد . دامنه کاربرد اصطلاح انقلاب متغیر است و فقط درباره تغییرات سیاسی بنیادین به کار نمی رود . بلکه در مورد انتقال از عصر کشاورزی به دوره صنعتی به همراه شهر نشینی ، پیشرفت در تکنولوژی غذایی ، ایجاد پیشرفت در علم پزشکی حتی به کار بردن فنون نظامی مدرن و ... نیز به کار می رود .

اصطلاح (( تحول انقلابی )) مفهوم رخدادی ریشه ای را به ذهن متبادر می سازد که طی آن قالب های کهن از میان رفته است یا دست کم در حال جایگزین شدن با نگرش های جدید و غالباً تجربه نشده می باشد .

در بین جامعه شناسان هیچ تعریفی از انقلاب به صورت عموماً پذیرفته شده وجود ندارد .

اما به طور کلی تعاریف انقلاب را می توان در دو طبقه قرار داد .

دسته اول شامل آن گونه تحولاتی است که می توان آنها را انقلاب کبیر نامید . کرین برینتون ،

جورج پتی ، زیگموند نویمان و برخی مارکسیست ها مثل لنین ، مائو و کاسترو از جمله نظریه

پردازانی هستند که تعاریفشان از انقلاب در این دسته جای دارد .

این گونه انقلابات شامل انقلاب های فرانسه ، آمریکا ، روسیه ، چین ، الجزایر ، کوبا و مکزیک می

باشد .

جرج پتی که در این دسته جای دارد انقلاب را تجدید بنای دولت می داند . اعضای مکتب انقلابات

کبیر تحول انقلابی را دارای ابعاد متعددی می دانند این ابعاد شامل : استحاله ارزشها ، تغییر

ساختار اجتماعی ، تحول نهادهای سیاسی ، غیر قانونی بودن تغییر ، تغییر نخبگان و خشونت

می باشد .

دومین دسته از تعاریف گسترده تر می باشند و شامل موارد فوق قانونی و یا خشونت آمیز انتقال قدرت هم می شود.

چالمرز جانسون ، رودولف رومل ، ریموند تانتر ، پیتر کالورت و جیمز ریویس از جمله نظریه پردازان این مکتب هستند.

نویسندگان این مکتب انقلاب را بخشی از روند سیاسی (( بهنجار )) یک کشور نمی دانند بلکه انقلاب را تغییری بزرگ و ناگهانی با یک دگرگونی فوق قانونی می دانند . مطابق تعریف این مکتب انقلاب صرفاً تغییر و تحولی غیر قانونی و خشونت آمیز است .  
ابعاد تحول انقلابی :

۱- استحاله ارزش ها : بسیاری از نظریه پردازان به ویژه غیر مارکسیست ها این ویژگی را مهمترین وجه مشخصه یک انقلاب به شمار می آورند .

پتی می گوید : تجدید بنای دولت با این فرآیند همراه است که یک اسطوره به عنوان راهنمای انسجام آفرین فرهنگ به جای اسطوره دیگر می نشیند .

هانتینگون انقلاب را تحول داخلی سریع ، بنیادین و خشونت آمیز در زمینه ارزش های مسلط و اسطوره یک جامعه می داند . نریمان هم انقلاب به مثابه یک تحول جامعه و بنیادین در اسطوره مسلط اجتماعی می داند .

برای اندازه گیری میزان تحولی که در پیامد انقلاب رخ می دهد .

استحاله ارزش ها مقیاس اساسی تری نسبت به سایر ابعاد تحول انقلابی است . ارنست معتقد است که مفهوم انقلاب از این تصور جدا نشدنی نیست که سیر تاریخ ناگهان از نو آغاز می شود و داستانی کاملاً جدید که هیچ گاه گفته نشده به زودی آشکار می گردد .

